

تجربه دوفضایی شده کاربران ایرانی از سوگواری مجازی مطالعه موردی شبکه اجتماعی فیس‌بوک

سعیدرضا عاملی^۱، یونس شکرخواه^۲،
سیده تمنا منصوری^۳

چکیده

این مطالعه که به تجربه سوگ افراد معمولی پس از مرگ عزیزان در میدان تحقیق خود، یعنی شبکه اجتماعی فیس‌بوک می‌پردازد، با پارادایم دوفضایی شدن و تکیه بر دیدگاه جامعه‌شناسانه و نیز شناخت اجتماعی به حافظه، حافظه جمعی و خاطرات روزمره را در کنار خاطرات خود زندگی‌نامه‌ای قرار داده است تا از چشم‌انداز میان رشته‌ای خاطرات واسطه رسانه‌ای شده به پدیده سوگواری مجازی بنگرد. تحلیل محتوای کیفی مصاحبه با ۱۶ کاربر فیس‌بوک با استفاده از نرم‌افزار مکس کیو دی ای نشان می‌دهد که اهمیت استمرار ارتباط با فرد متوفی، هم‌انگیزه اولیه کاربران سوگواری برای ادامه این تجربه در فضای فیس‌بوک را تشکیل می‌دهد و نیز به وجوه مختلف در کردارهای آنلاین آنها اثر می‌گذارد. سوگواری نیز مانند دیگر عرصه‌های تجربه دچار کیفیتی دوفضایی در عصر دیجیتال شده است که به مدد فناوری‌های ثبت و بایگانی این کردار اجتماعی فرهنگی را واجد جنبه‌های نمایشی، عادت‌ی و آیینی می‌سازد.

واژه‌های کلیدی

سوگواری مجازی، دوفضایی شدن، خاطرات ارتباطی، حافظه خودزندگی‌نامه‌ای، فیس‌بوک

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۰۸

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ای با عنوان «تجربه دوفضایی شده کاربران ایرانی از سوگواری مجازی: مطالعه موردی شبکه اجتماعی فیس‌بوک» که در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران زیر نظر استادان راهنما و مشاور، دکتر سعیدرضا عاملی و دکتر یونس شکرخواه، دفاع شده است.

ssameli@ut.ac.ir

۱. استاد گروه ارتباطات، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

shokrkhan@ut.ac.ir

۲. استادیار گروه مطالعات اروپا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران

s.t.mansouri@ut.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران

مقدمه

سوگ از دست دادن یک فرد در زندگی از آن دست تجربه‌هایی است که با کشمکش و آسیب‌های احتمالی روانی همراه است و می‌تواند میل به ثبت خاطرات را دستخوش تغییر سازد. این‌چنین تجربه‌هایی که در مطالعات روان‌شناختی از آنها به‌عنوان تجربه تروماتیک^۱ نامبرده می‌شود فرایند به یادآوری و فراموشی را در مقایسه با دیگر موقعیت‌ها پیچیده‌تر می‌کند و این احتمال وجود دارد که بازماندگان خودشان را در داستان‌هایی که آمیخته با عناصر تخیلی، تکه‌تکه یا بی‌ربط و سرشار از نمادگرایی است ابراز کنند (Leydesdorff et al, 1999). تجربه سوگ همواره توأم با خاطرات و تداعی‌هایی است که به تنها دارایی‌های بازماندگان از فرد درگذشته تبدیل می‌شوند. دارایی‌هایی که پیش‌تر به آثار مادی به‌جامانده از او و خاطرات و تداعی‌های ذهنی و ثبت‌نشده یا ثبت‌شده در قالب آنالوگ محدود می‌شد، اما امروزه به مدد فناوری‌های الکترونیک و دیجیتال می‌تواند از رهگذرهای رقمی شده بگذرد. این دارایی‌های دیجیتال ممکن است نه‌تنها به تصاویر، صدا و ویدئوهای مربوط به پیش از مرگ محدود نشوند بلکه شامل تولید محتواهای جدیدی بعد از مرگ، اما درباره فرد متوفی و به «یاد» او نیز باشد. دارایی‌هایی که همواره و پیش از ورود به عصر دیجیتال نیز امکان شریک شدن سایرین در سوگ آنها وجود داشت، اما به‌واسطه امکانات و قابلیت‌های دیجیتالی، شبکه‌ای و تعاملی اینترنت به‌طور کلی و شبکه‌های اجتماعی آنلاین به‌طور خاص، مجال به اشتراک گذارده شدن با دامنه‌ای بسیار وسیع‌تر و متکثرتر را یافته است. به‌این‌ترتیب، نقش شبکه‌های اجتماعی در نمایش عمومی عزاداری، در حال تقویت روندی است که ارتباطات آنلاین را تا پای یادبود و گرامی‌داشت فرد درگذشته هم کشانده است. اهمیت حفظ و صیانت از استمرار تعلق به فرد متوفی، در همان حال که ممکن است در فضای فیزیکی با «پوشیدن دارایی‌های شخصی او مانند ساعت یا حرمت گذاردن لباس‌هایش و گرامی داشتن عکس‌ها و نامه‌هایش» بروز کند (Hockey & Hallam, 2001: 19)، می‌تواند به‌صورت میل به مالکیت درآوردن مادی و معنوی هویت مجازی آن فرد و دارایی‌های دیجیتال او نیز ادامه پیدا کند. این میل به بایگانی کردن که دریدا (۱۹۹۵) از آن به تب بایگانی^۲ یاد می‌کند نخستین بار با شروع عصر نوشتار آغاز شد؛ بنابراین مسئله واسطه‌مند بودن ارتباط امری جدید یا محدود به عصر دیجیتال کنونی نیست. چنان‌که با در نظر گرفتن این

1. Traumatic Experiences
2. Archive Fever

موضوع که ارتباط وابسته به متن حاکمش صورت می‌پذیرد، این را هم باید بدانیم که از نظر فناورانه، قرن‌ها از باواسطه بودن ارتباط می‌گذرد (ترلو و دیگران، ۱۳۸۹).

دیجیتالی شدن تداعی‌ها به معنای از بین رفتن مادیت^۱ امر دیجیتال در فضای مجازی نیست، بلکه قالب‌های ذخیره‌سازی و نمایش اطلاعات و حتی داده‌های دیجیتال از خاصیت مادی بودن برخوردار هستند، حتی اگر لزومی به یک قالب فیزیکی خاص نباشد (Van Dijck, 2007). این مطالعه در مورد رابطه میان مرگ، خاطره و فضای مجازی است و با مفروض دانستن اینکه ترس از فقدان، رانه روانی قوی برای تمایل انسان به مستندسازی، حفظ و بادوام ساختن داشته‌های خویش و اشتراک‌گذاری آن با دیگران است و نیز با فرض اینکه ابژه‌های مادی خاطره در فضای مجازی نه تنها مادیت خود را از دست نمی‌دهند بلکه به‌مانند دارایی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شوند تجربه سوگ مرگ و یادآوری خاطرات سوگوارانه افراد معمولی جامعه را دست‌مایه پژوهش خود قرار داده است و می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

الف) چه چیزی؟: چه متغیرهایی در تجربه امتداد یادآوری خاطرات فرد متوفی به فضای مجازی شبکه اجتماعی فیس‌بوک دست‌اندرکار هستند؟

ب) چرا؟: کاربران سوگوار چه دلایلی برای امتداد تجربه سوگ خود به فضای مجازی شبکه اجتماعی فیس‌بوک دارند؟

ج) چگونه؟: امتداد سوگواری به جهان مجازی شبکه اجتماعی فیس‌بوک چگونه کردارهای مرتبط با یادآوری خاطرات سوگوارانه را در مقایسه با جهان واقعی تغییر می‌دهد؟

مبانی نظری

سرمشق تبیینی این پژوهش بر پارادیم دوفضایی شدن‌ها استوار است و خاطرات و یادآوری‌های سوگوارانه کاربران میدان پژوهش یعنی شبکه اجتماعی فیس‌بوک از دو منظر جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نگریسته شده است. بدیهی است که چشم‌انداز ارتباطاتی و مطالعه رسانه در سراسر این پژوهش بستر مناسبی را برای انسجام نظری و سپس تجربی فراهم خواهد کرد. در ادامه به مرور این دیدگاه‌ها و نقطه عزیمت هر کدام خواهیم پرداخت.

پارادایم دوفضایی شدن‌ها

در جهان معاصر که حیات اجتماعی تنها به مکان‌های فیزیکی محدود نمی‌شود، زیست آنلاین به موازات زندگی آفلاین در محیط واقعی در جریان است. توسعه فضای اجتماعی مهم‌ترین توسعه اجتماعی معاصر است که افزودن ظرفیت جدیدی به نام جهان مجازی (جهان دوم) به جهان واقعی (جهان اول)، پارادایمی که عاملی (۱۳۸۲) با نام دوفضایی شدن دوجیهانی شدن‌ها از آن یاد می‌کند بستر آن را فراهم کرده است. حیات اجتماعی در این بافت دوفضایی، لاجرم استلزاماتی را بر تعامل‌های اجتماعی و رفتارهای فردی تحمیل می‌کند که بدون شک اعمال، کردارها، آیین‌ها، مناسک و نوع برخورد و رویکرد به آنها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ بنابراین با اینکه یادآوری کرداری است که همواره در دوفضای عین و ذهن انجام می‌شود؛ اما حالا فضای مجازی به‌عنوان بستر دومی برای خاطرات، سازوکارهای ذهنی یادآوری را نیز می‌تواند تغییر دهد یا دست‌کم بر آن اثرگذار باشد. این پژوهش که تجربه یادآوری‌های کاربران را از مرگ یک عزیز - به‌مثابه نمود رفتاری سازوکارهای حافظه - دستمایه کندوکاو در خصوص تغییر و تحول‌های احتمالی در یادآوری و فراموشی این واقعه قرار داده است می‌کوشد با نگاه از دریچه دوفضایی شدن به چگونگی امتداد این یادآوری‌های سوگوارانه از فضای فیزیکی به فضای تعاملی مجازی رسانه اجتماعی فیس‌بوک بپردازد.

خاطرات واسطه رسانه‌ای شده

ون دایک (۲۰۰۷: ۲۱) با تعریف خاطرات واسطه‌مند^۱ با عنوان «فعالیت‌ها و اشیایی که ما به‌وسیله فناوری‌های رسانه‌ای به‌منظور خلق و بازخلق حسی از گذشته، حال و آینده خودمان در رابطه با دیگران تولید می‌کنیم و اختصاص می‌دهیم» آنها را نه ابژه‌ها و گنجینه‌هایی ایستا بلکه روابطی پویا میان دو محور هویت خود و دیگران و زمان گذشته و آینده می‌داند. واسطه‌مند بودن خاطره امر جدیدی نیست بلکه همیشه واسطه‌مند است، چه با نوشتار و چه با هر ابزار دیگری (Van Dijck, 2004)؛ اما نکته مهم در این است که فرایند این رسانه‌گری به‌مرور زمان دستخوش فناوری‌تر شدن شده است. به این تعبیر، تجربه سوگ و تداعی خاطرات پس از مرگ نه تنها با واسطه و از رسانه دیجیتالی شده مانند شبکه اجتماعی فیس‌بوک عبور می‌کند بلکه در چنین فضای سوگوارانه‌ای که با الهام از نورا (۱۹۸۹) می‌تواند به‌مثابه یک «عرصه خاطره^۲» عمل

1. Mediated Memories

2. Site of Memory

کند، نفس ارتباط نیز می‌تواند میان فرد بازمانده با دستگاه‌های رایانه‌ای و نیز به‌مثابه بستری برای ارتباط با دیگری که تنها جلوه‌هایی دیجیتال از خاطرات او موجود است پرداخته شود. برای مثال می‌توان به برنامه «یادآوری خاطرات»^۱ در فیس‌بوک اشاره کرد که مصداق بارزی برای هرچه فناورانه‌تر شدن خاطره و ترغیب کاربران به یادآوری و بازنشر خاطرات به‌صورت تصادفی و فارغ از محتوای خاطره و میزان تروماتیک بودن آن است.

خاطرات سوگوارانه به‌مثابه خاطرات ارتباطی

از نظر آسمن‌ها (۱۹۹۵) مفهوم «خاطره ارتباطی»^۲ یا «خاطره روزمره»^۳ شامل آن «تنوع‌هایی از خاطره جمعی»^۴ است که منحصرأ بر ارتباطات روزمره استوار است» (Assmann, 2011: 211). آسمن‌ها هم‌عقیده با هالبواکس جامعه‌شناس، خاطره را در سطح اجتماعی، موضوع ارتباط و تعامل اجتماعی می‌دانند و معتقدند که خاطره ما، مانند هشیاری در معنای کلی بر جامعه‌پذیری و ارتباطات وابسته است و می‌توان آن را به‌عنوان کارکردی از حیات اجتماعی ما تحلیل کرد (Erll, 2008). این سطح از خاطره که به معنای خاطره افرادی است که دانش دست اول از رویدادها دارند (Misztal, 2003: 130) در ساختار زمانی مجزایی از خاطره فرهنگی قرار می‌گیرند که یکی دیگر از وجوه افتراق این دو را از یکدیگر مشخص می‌کند.

خاطراتی که از، در مورد، با اشاره به فرد متوفی در فضای مجازی منتشر می‌شود، هم به‌دلیل در برنگرفتن سطح کلان و ملی و هم به‌دلیل نزدیک بودن آن با اصل واقعه و فقدان فیزیکی، وارد فضای ارتباطاتی و روزمره کاربران می‌شود. افراد دیگر در یادآوری‌های سوگوارانه مشارکت می‌کنند و زبان روابط، نه رسمی بلکه بومی است. در فضای مشارکتی چنین یادآوری‌هایی همسو با خاطره ارتباطی موردنظر آسمن، هیچ سلسله مراتبی بر این ساختار مشارکت نمی‌توان متصور بود بلکه برخلاف حافظه فرهنگی که نیازمند افراد متخصص در زمینه ثبت و ضبط خاطره هستند، پخش بودن و پراکندگی آن، خاطره از این سوگ را به عرصه بین‌الذهانیت می‌آورد؛ به‌طوری که در همان حال که این فرد است که به یاد می‌آورد، اما یادآوری عملی بیش از یک عمل تنها شخصی است (Erll, 2008). تعامل اجتماعی که در بازخورد به مرگ یک فرد در میان

۳. این قابلیت ابتدا با عنوان on this day و هم اکنون با نام Memories در فیس‌بوک شناخته می‌شود.

2. Communicative Memory
3. Everyday Memory
4. Collective Memory

کاربرها و گاه طرفین گفت‌وگو شکل می‌گیرد به خاطرات جهت می‌دهد و بنابراین بر ساختگی و باهم ساختگی خاطره در بافت بین‌الذهانی افراد در این فضاها دور از انتظار نیست.

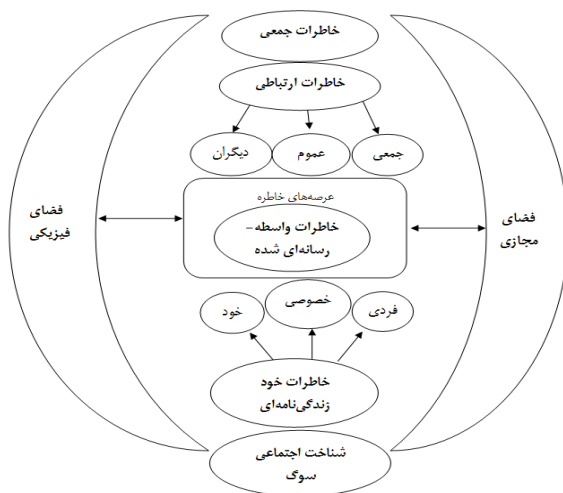
شرح سوگ با خاطرات خودزندگی‌نامه‌ای

ارتباط دیدگاه شناخت اجتماعی و حافظه سرگذشتی از آن‌رو با موضوع این پژوهش مرتبط است که اولاً بر صفت اجتماعی رفتارها از جمله یادآوری تأکید دارد، «ما شناخت خود را همیشه در میان افراد دیگر توزیع می‌کنیم» (Smith & Conrey, 2008: 17)، همان ویژگی که در خاطرات جمعی و روزمره برجسته است و دوماً بر اهمیت اثرگذاری وضعیت ذهن به هنگام رمزگذاری رخدادها بر چگونگی به یادآوری این رخدادها در آینده (کاندوا، ۱۳۸۴) تأکید می‌کند. امتداد سوگواری از دنیای فیزیکی به فضای مجازی با رجعت دوباره به موارد ثبت‌شده از کسی که دیگر زنده نیست یا درباره او و عبور از مسیری تعریف شده در وسایل الکترونیک همراه است. این درحالی است که ما همواره با استفاده از حافظه خود زندگی‌نامه‌ای به خودمان و دیگران داستان زندگی‌مان را می‌گوییم (Misztal, 2003) که خاطرات سوگ نیز می‌تواند نمودی از آن باشد و در فضاهای جدید رسانه‌ای مانند شبکه اجتماعی فیس‌بوک بستر مناسب‌تری برای اثرگذاری کارکردهای خود بیابد؛ حفظ حسی از بودن به‌عنوان شخصی منسجم در طول زمان، تقویت پیوندهای اجتماعی از طریق خاطرات شخصی و استفاده از تجربه گذشته برای ساخت مدل‌هایی برای فهمیدن جهان‌های درونی خود و دیگران، سه کارکرد مهم این نوع از حافظه به گفته بولاک (به نقل از ون دایک، ۲۰۰۷) هستند که به‌ویژه کارکرد دوم یعنی کارکرد ارتباطی نقش پررنگ‌تری در این نوع از تجربه ایفاء می‌کند.

این پژوهش نه تنها به چگونگی انجام کردارهای مرتبط با خاطره نزد بازماندگان در فضای مجازی توجه دارد بلکه شناخت انگیزه‌ها، غایات، اهداف و انتظارات مرتبط با این اعمال نیز حائز اهمیت است. به‌طوری که در رویکرد شناخت اجتماعی انتظارات، عامل مهمی در جهت دادن توجه به جنبه‌های مختلف واقعیت و اثرگذار بر یادآوری‌های آینده است و خاطراتی که از نظر شخصی مهم هستند مانند خاطرات برجای مانده یا تولید شده از تجربه‌ای تروماتیک مثل مرگ به دلیل اهمیت عاطفی خود ممکن است بهتر به یاد بماند (کاندوا، ۱۳۸۴). چه بسا کدگذاری‌های دیجیتال این تجربه‌ها در سایت‌های شبکه اجتماعی به‌واسطه تصویرسازی عینی بیشتر آنها و نقش فرد بازمانده در تعریف و توصیف مجدد رویدادها به یادآوری بیشتر این تجربه‌ها کمک کند.

مدل مفهومی روابط چارچوب نظری در بستر دوفضایی خاطرات سوگوارانه

خاطرات سوگوارانه‌ای که در شبکه اجتماعی فیس‌بوک وجود دارد از نوع خاطرات ارتباطی هستند که به گذشته اخیر و بسیار نزدیک مرتبط هستند و فرد داغدار در قالب خاطرات سرگذشتی و با ژانری غیررسمی و فارغ از سلسله‌مراتب، سوگ خود را در جریان روابط روزمره به‌صورت جمعی با شبکه اجتماعی خود به اشتراک می‌گذارد. همچنین این پژوهش پیش‌بینی می‌کند که طبق رویکرد شناخت اجتماعی به بازسازی گذشته، عناصر روانی مانند اهداف، انتظارات، انگیزش، خلق‌وخو و اهمیت رخدادها در فرایند به‌دلیل سپاری، به خاطرآوری و بازگویی آن مداخله کند. به‌طوری‌که در مورد تجربه فقدان یک فرد و تداعی‌های مرتبط با آن در فضای مجازی، حافظه سرگذشتی فرد، مرگ آن عزیز و تجربه سوگ را به‌عنوان رخدادی مهم در طول زندگی در خود جای می‌دهد و با امتداد این تجربه - که بیشتر از آنکه عمومی باشد، در خلوت فرد تجربه می‌شود و بیشتر از آنکه در بدو امر به دیگران و جمع مرتبط باشد به‌صورت فردی و با خویش فرد سروکار دارد - به فضای مجازی و امکانات و قابلیت‌هایی که فیس‌بوک به‌عنوان یک شبکه اجتماعی با ویژگی‌های خاص خود و متمایز از دیگر شبکه‌ها در اختیار او قرار می‌دهد حضور دیگران در این شبکه اجتماعی نه‌تنها به انگیزش و هدف فرد داغدار از بیشتر یا کمتر گفتن (تولید متن) از این تجربه در قالب محتواهای مختلف اثرگذار است بلکه در رابطه‌ای رفت و برگشتی میان خود و دیگری (محور عمودی) و نیز فضاهای فیزیکی و مجازی (محور افقی) نوع کاربری و حضور مجازی در این فضا در ترکیب با بازخوردهای بالقوه یا بالفعل دیگران به انتظارات، تعابیر و انگیزش‌های آتی او در یادآوری گذشته جهت می‌دهد:



شکل ۱. مدل مفهومی روابط چارچوب نظری در بستر دو فضای خاطرات سوگوارانه

روش پژوهش

پژوهش پیش‌رو به یکی از کیفیت‌های کمتر تکرارشده زندگی هر فرد، یعنی فقدان و سوگ مرگ پرداخته است. بنابراین، رویکرد کیفی که بهترین قابلیت خود را در پاسخ دادن به سؤال‌های جامعه‌شناختی خرد نشان می‌دهد (فلیک، ۱۳۸۸) می‌تواند در مطالعه اعمال و کنش‌های متقابل سوگواری مجازی به عنوان یک پدیده در رفتار آنلاین کاربران سودمند باشد.

دلیل انتخاب فیس‌بوک به عنوان میدان مطالعه این پژوهش، ظرفیت بالای این شبکه اجتماعی در پوشش تمام وجه ارتباطی است و با قابلیت تولید و به اشتراک‌گذاری صوت، متن، عکس و فیلم پرکاربر و پرکاربردترین محبوبیت بالایی در میان کاربران دارد. به‌رغم آنکه در مقایسه با دو سال گذشته اکنون گرایش کاربران ایرانی به استفاده از اینستاگرام در مقایسه با فیس‌بوک بیشتر شده است که یکی از دلایل اصلی آن فیلتر نبودن شبکه اجتماعی اینستاگرام و دسترسی دشوار به فیس‌بوک است، از یک سو دغدغه شخصی محقق و از سوی دیگر، وسعت امکانات بیانگری برحسب برخورداری از قابلیت‌های ارتباطی و ساختاری که بدون شک

1. Uwe Flick

کردارهای مرتبط با خاطره را نیز دربرمی‌گیرند، میدان اولیه مشاهده این پژوهش شبکه اجتماعی فیس‌بوک انتخاب شده است.

آن دسته از کاربران فیس‌بوک که پس از مرگ یکی از نزدیکان خود به انتشار محتوای مرتبط با این سوگ در این شبکه اجتماعی پرداخته یا می‌پردازند یا به عبارت دقیق‌تر تجربه دست اول در سوگ و انتشار آن در فیس‌بوک داشتند جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. مصادیق خاطرات سوگوارانه مورد نظر این پژوهش تجربه دست کم یکی از این سه مورد است: الف) در صفحه فیس‌بوک خود یا صفحه فیس‌بوک فرد متوفی (در صورت وجود و فعال بودن) پست‌هایی اعم از عکس، متن و هر وجه دیگر در ارتباط با فرد درگذشته منتشر کرده باشند؛ ب) عکس پروفایل یا کاور صفحه فیس‌بوک خود را پس از این مرگ به رنگ مشکی یا به تصویری از فرد متوفی یا خودشان به همراه فرد متوفی تغییر داده باشند و ج) اقدام به تعریف رویداد برای مراسم‌های عزاداری فرد درگذشته، تهیه و انتشار آلبوم عکس یا هر آنچه مربوط به فرد متوفی است کرده باشند. توجه به این موارد به این دلیل ضرورت دارد که نشانه‌ای هستند برای رسیدن به درونیات، ذهنیات و تداعی‌های افراد عزادار از واقعه تجربه شده و انتخاب‌های آنان برای نوع استفاده از فضای شبکه اجتماعی فیس‌بوک در خصوص خاطره پروری، تجلی‌انگیزه‌ها و انتظارات آنها در این محیط.

با توجه به اینکه ملاک اصلی برای کنار گذاشتن فرایند گردآوری داده‌ها در تحقیقات کیفی اشباع داده است نه تعداد ثابتی از واحدها به‌دلیل دشواری دسترسی به اشخاصی که نمونه‌های دیرپاب محسوب می‌شوند تلاش شد تا حجم نمونه دست‌کم به تعداد ۱۵ نفر برسد. فرایند دسترسی به افراد شرکت‌کننده این تحقیق (تعداد: ۱۶ نفر) با راهبرد نمونه‌گیری هدفمند و گلوله برفی از طریق جستجو در شبکه روابط شخصی محقق و نیز از طریق ارسال دعوت‌نامه به کاربران ایرانی فیس‌بوک که در تحقیقات پیشین با من همکاری کرده بودند یا دست‌کم در فهرست پیغام‌های پروفایل فیس‌بوک من قرار داشتند انجام شد. تلاش شده است تا با انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته^۱ و روایی^۲، شرکت‌کنندگان به توصیف و توضیح تجربه‌های خود در ارسال مطالب مرتبط با سوگ خود در شبکه اجتماعی فیس‌بوک هدایت شوند تا سازگاری مشاهده‌های محقق در محیط مطالعه و انگیزه‌ها، برداشت‌ها و انتظارات مصاحبه‌شوندگان در طول

1. Semi-Structured

2. Narrative

این تجربه از زبان خود افراد بیان شود. برای برقراری ارتباط با شرکت‌کنندگان بسته به تمایل و ترجیح فرد و امکان‌پذیری از سه روش ملاقات حضوری، گفت‌وگوی اینترنتی و مکالمه تلفنی استفاده شد و مدت مصاحبه‌ها که در اواسط فروردین تا اوایل تیرماه ۱۳۹۵ انجام شد بین ۴۰ دقیقه تا یک ساعت به طول انجامید.

برای تحلیل متون مصاحبه‌های پیاده‌سازی شده از تحلیل محتوای کیفی و نرم‌افزار تجزیه و تحلیل داده‌های مکس کیو دی ای^۱ نسخه ۱۲ استفاده شده و کدگذاری بر مبنای مناسبت و ارتباط با سؤال‌های پژوهش و احساس زیربنایی موجود در گزاره‌های هر شرکت‌کننده انجام شده است.

یافته‌های پژوهش

کدگذاری اولیه ۱۶ مصاحبه تهیه‌شده به حدود ۹۲ کد و ۸۷۰ بخش منتخب در متون مصاحبه رسید که از این تعداد به سه بُعد و دسته‌بندی کلی منتج شد: بازیگران اصلی، انگیزه‌ها و دلایل و کردارهای خاطرات ارتباطی. چگونگی رسیدن به این سطوح، هم برخاسته از پرسش‌های تحقیق، هم مبتنی بر مبنای نظری منتخب و نیز براساس داده‌های گردآوری شده است؛ هرکدام از این ابعاد از چند مقوله تشکیل شده‌اند که مقولات مزبور دسته‌های مجزایی نیستند بلکه موضوعاتی به هم مرتبط و گاه در هم متداخل و هم‌پوشان هستند؛ اما این تفکیک، راه را برای شفاف‌تر کردن چگونگی تجربه یادآوری، خاطره‌گویی، خاطره‌سازی و خاطره‌بازی کاربران سوگوار در شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌مثابه کردارهای رسانه‌ای مرتبط با حافظه آنها که بی‌شک برخاسته از یک رانه، انگیزه و هدف است هموار می‌کند.

بازیگران اصلی

سؤال تحقیق ۱. چه متغیرهایی در تجربه امتداد یادآوری خاطرات فرد متوفی به فضای مجازی شبکه اجتماعی فیس‌بوک دست‌اندرکار هستند؟ اهمیت بافت ارتباطی که قلمروی دو فضایی شده خاطرات را تشکیل می‌دهد و نیز تأکید شرکت‌کنندگان پژوهش بر تعامل‌های خود با دیگران و نیز با حضور مجازی یا معنوی فرد متوفی در بستر زمان که عمل یادآوری و نمودهای آن را به کردارهای پویا و تغییرپذیر تبدیل می‌کند من را به برجستگی نقش چهار عامل اصلی در فرایند یادآوری‌های سوگوارانه هدایت کرد. نقش این بازیگران بر یکدیگر اثرگذار است اما تأثیر مستقل

1. MAXQDA

خود را در فرایند تبدیل تداغی‌های فردی به یادآوری جمعی یک سوگ حفظ می‌کنند؛ دو مورد اول همان ارتباط‌گران و ارتباط‌گیران عرصه‌های خاطره‌ارتباطی هستند که در بستر زمان و مکان ایفای نقش می‌کنند.

فرد سوگوار: شخص کاربر به‌خودی‌خود مهم‌ترین بازیگر در عرصه خاطره از تجربه سوگ خود است. ویژگی شخصیتی او، خلق‌وخو و سبک و تجربه عمومی کاربری او در فضای مجازی به‌ویژه شبکه اجتماعی فیس‌بوک نقش مؤثری در شدت و ضعف بخشیدن یا جهت دادن به سوگواری او در فضای مجازی دارد. آن دسته از کاربرانی که خود را دارای شخصیت برون‌گرا معرفی می‌کردند از میل بیشتری در مقایسه با کاربران درون‌گراتر برای اظهار این تجربه و بیان غمی که به آنها رفته یا می‌رود برخوردار بودند. کسانی که تاکنون فقدان در اثر مرگ یا حتی مواجهه نزدیک با مرگ اطرافیان را تجربه نکرده بودند با بهت و شور بیشتری از تجربه به اشتراک‌گذاری خاطرات آن فرد یا احوالات خود در فضای مجازی صحبت می‌کردند. همچنین سبک کاربری آنها در شبکه اجتماعی فیس‌بوک پیش از این تجربه تا حدی به همان سیاق پس از تجربه فقدان یک عزیز نیز ادامه می‌یافت. منظور از سبک کاربری در اینجا این است که کاربر تا چه حد به هم‌رسانی عکس، متن، تهیه آلبوم یا هم‌رسانی دوباره خاطراتی که در فیس‌بوک یادآوری می‌شود، می‌پردازد. برای مثال:

نیلوفر، دانشجوی ۲۷ ساله تهرانی که برای دو مادر بزرگش آلبوم عکس ساخته می‌گوید: «من کلاً آدمی هستم که عکس و اینها خیلی توی فیس‌بوک و اینستاگرام می‌گذارم و همه‌چیزم را توضیح می‌دهم هیچ‌کدام از اعضای فامیل اندازه من اهل عکس نیستند ... تا به اون موقع هیچ‌کدوم از عزیزای نزدیکم فوت نکرده بودن؛ یعنی پدر بزرگم که بعد اینها فوت کرد جدیدتر از همه بود و برایم عادی بود. برا همین خیلی برام ناراحت کننده بود ... من دوست ندارم پست‌هایی بگذارم که خیلی جیگر آدم رو کباب کنه، مثلاً در مورد داعش اما آن غم‌هایی را که با یک خاطره خوشی همراه است دوست دارم بگذارم، مثلاً مامان بزرگام رو می‌دونم هیشکی جیگرش کباب همیشه عکس به پیرزنی که فوت شده را ببینیه بالاخره زندگی همینه.»

و به گفته احسان، روزنامه‌نگار ۳۵ ساله در تهران «من زیاد برون‌گرا نیستم. نگاهم ژورنالیستی است. کارم همین است. برایم مهم است که وقتی از دنیا رفتم چه چیزی از من در فضای مجازی می‌ماند. هیجان قصه را دوست داشتم.»

فرد متوفی: فرد در گذشته به‌مثابه دیگری مهم و اثرگذار، عامل شکل و جهت دهنده به کردارهای خاطره‌ای فرد سوگوار است که به‌رغم نداشتن موجودیت مادی می‌توان حضورش را در ابژه‌های مادی و سپس در ابژه‌های مجازی تحت اختیار و اراده سوگوار شاهد بود. همچنین سبک و نوع ارتباطی که میان فرد سوگوار و فرد متوفی در دنیای واقعی برقرار بود، نقش مهمی در چگونگی بیان و ابراز خاطرات و کردار یادآوری در فضای مجازی و پس از مرگ دارد. در واقع ارتباط آنها پیش از مرگ عامل تعیین‌کننده و اثرگذاری در چگونگی امتداد یافتن یا نیافتن یادآوری سوگوارانه در فضای دوم است؛ در بعضی موارد تلاش کاربران این است که راه نرفته یا کار انجام نداده فرد متوفی را بروند یا محقق کنند:

میثاق ۲۸ ساله، استاد دانشگاه و مدیر مؤسسه فرهنگی هنری از تهران می‌گوید: «یکی از ویژگی‌های مهتاب که من را بسیار به او نزدیک می‌کرد حافظه وحشتناک خوب او و خاطره بازی‌اش بود. این جزئیات وحشتناک را نه تنها در این آلبوم، بلکه همه بچه‌ها در سایت و وبلاگشان اصرار داشتند که با وسواس زیادی بیان کنند و بگویند همان‌طور که مهتاب همه جزئیات را بعد از گذشت زمانی طولانی به یاد دارد ما هم تمام این جزئیات ریز کوچک از او را به خاطر داریم و این کنش خودش کنشی مهتاب - طور بود؛ یعنی این آلبوم ساختن از آن کارهایی بود که مهتاب برای هرکسی دیگر هم می‌کرد. شاید یکی از دلایل ناخودآگاه من برای ساختن آلبوم همین بود.»

قلمرو خاطرات: آنچه در کنار دو بازیگر مزبور یعنی فرد سوگوار و فرد متوفی در فرایند سوگواری دوفضایی شده نقش ایفاء می‌کند بستری است که برای کردارهای خاطره فراهم می‌شود، همان فضایی که نورا (۱۹۸۹) از آن به «عرصه‌های خاطره» تعبیر می‌کند. به ادعای این پژوهش، فیس‌بوک به‌عنوان یکی از شبکه‌های اجتماعی فضای مجازی به‌مثابه محیطی امتدادیافته از دنیای واقعی برای یادآوری‌های سوگوارانه از فرد در گذشته یا همان چارچوب اجتماعی موردنظر هالبواکس عمل می‌کند. این مقوله خود از دو بخش تشکیل شده است. خود بافت که به ویژگی‌هایی دلالت دارد که این شبکه اجتماعی را از قابلیت تبدیل شدن به عرصه‌ای برای خاطره‌گویی یا خاطره‌بازی از / در مورد فرد متوفی برخوردار می‌کند و نیز روابط موجود در این شبکه اجتماعی هم میان فرد سوگوار با فرد متوفی و نیز او با دیگران یا همان شبکه اجتماعی (دوستان) در فیس‌بوک. برای مثال:

نگار، ۳۲ ساله و مالک گالری خصوصی در تهران که پنج سال پیش برادرش را از دست داده است و تا به حال قابلیت «یادآوری خاطرات»^۱ در فیس‌بوک، خاطره‌ای از برادرش را برای او یادآوری نکرده است می‌گوید: «اما یک چیز جالب، در تمام بازی‌هایی که در فیس‌بوک هست که به تو می‌گوید بهترین دوستت چه کسی بوده، ۹۰ درصد آنها برای من علی می‌آید، خیلی جالبه برام، مثلاً کی هست که همیشه در فکرتون هست؟ علی می‌آید، حتی از خیلی‌هایش اسکرین شات گرفته‌ام و نگاه داشته‌ام و این خیلی برای من جالب است.»

علاوه بر این، تأثیر بافت دوفضایی شده رویدادها در زیست اجتماعی معاصر که رخدادی مانند مرگ و تجربه سوگ ناشی از یک فقدان را نیز شامل می‌شود در گزاره‌های شرکت‌کنندگان مشهود است:

ارس، ۳۴ ساله، آهنگساز و نوازنده موسیقی زیرزمینی در تهران در مورد نخستین مواجهه‌اش با قابلیت مذکور می‌گوید: «دو سه ماه پیش، قبل از فوت احسان [دوستش] صبح زود به فیس‌بوک رفتم و دیدم که می‌گوید شما چهار، پنج سال پیش با صادق [برادر مرحومش] دوست شدید و بیاید این دوستی را جشن بگیرید... این اتفاق خیلی برایم تلخ بود و آن روزم را کلاً خراب کرد. اتفاقاً در این مورد پستی هم نوشتم که فیس‌بوک هم چه چیزهایی را به یاد آدم می‌آورد و از آن عکس‌ها و نمادهای شادی بخشی که اطراف عکس من و برادرم بود اسکرین شات گرفتم و پست کردم (که البته الان یا پاکش کرده‌ام یا هیدن).»

زمان خاطرات: همان‌طور که صحبت با مصاحبه‌شوندگان نشان داد زمان‌های گذشته و حال به‌طور مکرر در یادآوری‌های آنها نقش دارد و سپری کردن مراحل روانی سوگ نیز در فعالیت کاربران در فیس‌بوک نیز اثرگذار بوده است. جنس و انگیزه یادآوری به‌صورت جمعی با گذشت زمان از فوت آن فرد دچار تغییراتی می‌شود که نمود خود را در کردارها و رفتارهایی در زمینه یادآوری در شبکه اجتماعی نمایش می‌دهد. به عبارت دقیق‌تر، بازسازی گذشته توسط فرد سوگوار در شبکه اجتماعی فیس‌بوک با هرچه فاصله گرفتن از نخستین یادآوری‌های منتشرشده دچار جرح و تعدیل‌هایی می‌شود که گاه به سمت افزایش برون‌فکنی و گاه در راستای کاسته شدن از کمیت و کیفیت بیان و ابراز سوگواری حرکت می‌کند. البته منظور از زمان در این پژوهش، گذشته‌های اخیر است نه سالیان دور و دراز و حافظه روزمره و ارتباطی را موردنظر دارد

1. "on this day" feature

نه خاطره فرهنگی را. نکته مهم این است که دو بعد زمان و مکان در کنار یکدیگر بر جمعی که حول محور خاطرات به اشتراک گذارده شده میان افراد و با کمک مصنوعات نمادین (که می‌تواند امکانات و کارایی‌های بافت مجازی و به‌طور خاص شبکه اجتماعی فیس‌بوک را شامل شود) در تعامل هستند و نیز بر چگونگی بیان آن یادآوری‌ها اثرگذار است. برای نمونه:

صهبا^۱، ۴۰ ساله، مترجم از ساری «با اینکه دیگران مخالف هستند و حرف‌هایشان بازدارنده است اما من طوری حرفم را منعکس خواهم کرد، فرقی نمی‌کند کجا، با این کار بیشتر احساس می‌کنم خودم هستم، بیشتر و بهتر... اوایل سوگ جمعی بود اما حالا بعد از حدود یک سال فردی‌تر شده.»

و لیا، ۲۷ ساله، مدرس زبان از مشهد: «روزهای اول بعد از این اتفاق، این مسائل [استفاده از فضای مجازی] در اولویت نیست و شما به به اشتراک گذاشتن این غصه در فضای مجازی فکر نمی‌کنید، اما بعد از یک فاصله زمانی با خودتان قبول می‌کنید که آن عکس را در فیس‌بوک بگذارید و اعلام کنید که چه اتفاقی افتاده است.»

انگیزه‌ها و دلایل

پرسش تحقیق ۲: کاربران سوگواری چه دلایلی برای امتداد تجربه سوگ خود به فضای مجازی شبکه اجتماعی فیس‌بوک دارند؟

انگیزه‌های معطوف به متوفی

حفظ و استمرار ارتباط با فرد متوفی: حفظ پیوندهای خود با فرد در گذشته و استمرار ارتباط با او یا آنها دلیل اصلی و بسیار مهمی است. موضوع مهم در اینجا اهمیت این ارتباط پیش از آن مرگی است که اتفاق افتاده است. حال بسته به اینکه فرد در گذشته از حساب کاربری در فیس‌بوک برخوردار بوده باشد یا خیر، این ارتباط که بر این اساس می‌تواند در دنیای فیزیکی یا مجازی یا هر دو در جریان بوده باشد عامل مهمی در انگیزه بخشی به فرد سوگواری برای امتداد دادن آن ارتباط به وجوه مختلف در فضای مجازی و شبکه اجتماعی فیس‌بوک است. گویی فرد می‌خواهد همان پیوندهای پیشین را در فضایی دیگر تجربه و حفظ کند و ارتباط میان فردی خودش و فرد در گذشته را استمرار بخشد. این انگیزه در ارتباط تنگاتنگی با اعتقاد به جاودانگی فرد متوفی پس از مرگ قرار دارد. برای مثال:

۱. لازم به ذکر است که آقای صهبا سلیمی در فروردین ۹۶ یعنی حدود ۹ ماه پس از مصاحبه دار فانی را وداع گفتند.

نیک عزم، ۵۵ ساله، مالک مشاور املاک در تهران و کانادا: «آدم فکر می‌کنه که داره با او ارتباط برقرار می‌کنه، احساس می‌کنه اینجا مال او هست، مثل سر خاک رفتن می‌ماند، من خیلی سر خاک رفتن را دوست ندارم، اما در فیس‌بوک حس بهتری دارم.»

و شهرزاد، ۳۱ ساله، مدرس گرافیک و طراح جواهر از تهران «مادربزرگم در جریان همه چیز من بود، شب امتحان می‌شد، می‌آمد و مراقب بود تا من درس را بخوانم، الان هم مثل این ماند که تأییدم کند، انگار که من نیاز داشته باشم به تأییدش. من الان ازدواج نکردم، خیلی دوست دارم و همه‌اش منتظر هستم و دوست دارم تأییدش را بگیرم، حالا در خواب یا بیداری و هرکجا.»

حس احترام و مسئولیت: این انگیزه که به نظر می‌رسد می‌توان ریشه‌های آن را از نظر فرهنگی و مذهبی بررسی کرد و تأثیر نوع نگاه به مرگ و فرد در گذشته را در فرهنگ ایرانی - اسلامی در آن دخیل دانست از نوعی حس تکلیف و حس مسئولیت نیز سرچشمه می‌گیرد که فرد سوگوار در قبال فرد متوفی در خود احساس می‌کند؛ بنابراین تلاش برای استمرار ارتباط (انگیزه پیشین) به شیوه انتخابی فرد سوگوار، نوعی ادای دین و انجام مسئولیت می‌نماید. برای مثال:

بهار، ۲۴ ساله و کمک مربی آشپزی در تهران: «تا چند ماه اول احساس می‌کردم که نوعی بزرگداشت برای او محسوب می‌شود و به دلیل احترامی که برای او قائل هستم، بیشتر پست می‌گذاشتم. البته سعی می‌کردم که زودتر خودم را جمع کنم و طوری باشد که حس خودم تخلیه شود و در حد بعد احترامی قضیه اثرگذاری هم داشته باشد.»

و سمانه، ۳۱ ساله و خانه‌دار از شهرری: «من فرزند بزرگ خانواده هستم و به نوعی من برادرم را بزرگ کردم، با او خاطرات بسیاری داشتم، بنابراین نسبت به او مسئولیت داشتم، حتی خودم برایش صفحه فیس‌بوک ساختم. حالا احساس می‌کنم اگر در فیس‌بوک سکوت کنم عذاب وجدان می‌گیرم و حس می‌کنم بی‌احترامی کرده‌ام. مثل این می‌ماند که اگر سر خاکش نروم بد است. چون خودش خیلی به این مسائل و زیارت اهل قبور معتقد و متعهد بود.»

انگیزه‌های معطوف به دیگران

دیدن شدن، نمایش اندوه و انتظار همدردی: حضور دیگران نقش مهمی در جمعی شدن همه چیز دارد؛ بنابراین در پس این امر انگیزه‌ای نهفته است که در راستای ارضای میل بشر به خود بیانگری برانگیخته شده است تا شاید پاداشش را در رفع نیاز مورد دلسوزی، توجه و همدردی

واقع شدن و در یک کلام، رفع نیاز به تعلق^۱ دریافت کند. همان طور که رویکرد شناخت اجتماعی در مورد بازسازی گذشته معتقد است «انتظارهایی که از دیگران داریم می‌تواند بر شیوه پردازش نگرش‌ها و رفتارهای آنها در ذهن ما تأثیر بگذارد و در نتیجه در تعیین آنچه بعدها درباره آنها به ذهن خواهیم آورد، به ما کمک کند» (کاندوا، ۱۳۸۴: ۲۵۴) و انتظارات و تعابیر ما و دیگران در ارتباط درهم‌تنیده متقابل برای یادآوری‌ها عمل می‌کند؛ بنابراین از یک سو فرد سوگوار می‌خواهد دیده شود و تجربه سوگش را به گوش دیگران برساند، از آن طرف دیگران با حضور، همدردی و واکنش، انتظار و نیاز او را برای دیده شدن رفع می‌کنند:

نغمه، ۲۹ ساله و پژوهشگر از کرج: «وقتی دیگران نصیحت‌م می‌کردند که مرگ پدرت را فراموش کن و دیگر بس است برایم آزاردهنده بود. انتظار داشتم که به‌نوعی آغوش گرمشان به رویم باز باشد یا بگویند عزیزم، همین یک کلمه برایم کافی بود... برایم مهم بود که ببینم نظر دوستانم چه بود چقدر لایک می‌خورم چقدر دیده می‌شوم از طرف بقیه.»

و سیمین، ۴۳ ساله و کارمند از تهران: «احساس می‌کنم که در فیس‌بوک دیده نمی‌شود چون مردم همه تمایل به تلگرام و اینستاگرام دارند. تعداد لایک‌ها در فیس‌بوک خیلی پایین آمده. به هر حال در فیس‌بوک چون مراجعه‌کننده کمتری هست احساس می‌کنم خلوت. انگار کسی فعالیت خاصی ندارد... موضوع این است که شبکه‌ای اجتماعی است. اگر قرار باشد اجتماعی آنجا نباشد یا کسی آنجا پرسه نزنند آن کوچه بن‌بست است؛ یعنی انگار کسی رفته باشد روی صحنه‌ای خالی از تماشاچی کنسرت بدهد فقط برای خودش. اگر این طور باشد که برای دل خودش هم می‌تواند برود در صحرا بخواند، دیگر دلیلی ندارد برود روی صحنه‌ای که همه جمع می‌شوند اما تماشاچی نداشته باشد. من آن وقت در دفتر خاطراتم هم می‌توانم بنویسم چرا بروم در فیس‌بوک بنویسم. از جهاتی به دلیل بعد اجتماعی آن است که آدم دوست دارد، دیده شود.»

گستره عمل در دو فضای واقعی و مجازی: این انگیزه که بیش از همه به نقش بافت ارتباطی که در بعد بازیگران به‌عنوان یکی از اجزا سازنده مکان یا بستر خاطرات مورد اشاره قرار گرفت مربوط است. همچنین دیگران و روابط اجتماعی فرد سوگوار در این بافت به‌عنوان هدف پیش برنده به سمت استفاده یا عدم استفاده از فیس‌بوک برای سوگواری عمل می‌کند که به تفاوت اختیار فرد در دو فضای فیزیکی و مجازی برای برون‌فکنی و اشاره دارد:

۱. Belonging: این نیاز در سطح سوم (نیازهای اجتماعی) نیازهای انسان در هرم مازلو قرار دارد.

مehشید، ۲۸ ساله و حسابداری از تهران «آدم برون‌گرایی هستم: دردی که دارم دلم می‌خواهد بگویم ولی نمی‌تونم در محیط خانواده‌ای بگویم که خودشان داغدار هستن، داغونن. نمی‌تونستم بگویم چه حس و حالی دارم، برای همین اولین کاری که کردم این بود که پست گذاشتم.»

و میلاد، ۲۹ ساله و خبرنگار در تهران می‌گوید «گذاشتن دو سه تا پست در روز در عالم رفاقتی اصلاً درست نیست، شرایط خانوادگی فرق می‌کند اما من هر موقع احساس می‌کنم اگر خیلی لازم است خودم می‌آورمش در فیس‌بوک، اما وقتی جایی بروم و یادش بیفتم کافی است، ترجیح می‌دادم عمومی نشود، فیس‌بوک جامعه خیلی بزرگی نیست که آدم هر کاری را انجام دهد.»

همچنین شبکه اجتماعی که هر کاربر در فیس‌بوک دارد مانند محیط‌های اجتماعی که او در دنیای فیزیکی در آنها با افراد دیگر در تعامل است استلزاماتی را بر روابط حمل می‌کند که با ساختارها و کارایی‌های فضای دوم همراه است. بر این اساس «شبکه‌ای بودن» یکی از ویژگی‌های تمایز بخش فضاهای تعاملی مجازی مانند فیس‌بوک از فضای فیزیکی است که شرکت‌کنندگان نیز از آن به‌عنوان عامل مهمی در فرایند سوگواری خود نام برده‌اند.

ارس، ۳۴ ساله، آهنگساز و نوازنده موسیقی زیرزمینی در تهران «من و برادرم دیربهدیر یکدیگر را می‌دیدیم. من خیلی به ارتباط حضوری پایبند هستم؛ اما وقتی دلم گرفته بود برایش می‌نوشتم؛ اما اگر قرار بود تلفنی این را بگویم فقط خودم و خودش صدای هم را می‌شنیدیم اما در فیس‌بوک انگار یک جامعه دارند صدای یکدیگر را می‌شنوند.»

انگیزه‌های مشترک

ترس از فراموشی: قطع ارتباط با فرد در گذشته که با برهم خوردن تعادل پیشینی در سبک زندگی فرد سوگوار و تحمل یک سکوت همیشگی بر زندگی او همراه خواهد بود به نگرانی از فراموش کردن آن عزیز و کم‌رنگ شدن نقش او و ارتباطشان در خاطره و حافظه فرد بازمانده نتیجه می‌شود. به این ترتیب هراس از فقدان، مضمونی بود که شرکت‌کنندگان به‌ویژه در مناسبت با دلیل اهمیت قائل شدن برای متعلقات مشترکشان با فرد در گذشته یا ایزه‌ها و اشیایی که تداعی‌گر او هستند (در بعد نهایی کردارهای خاطره ذکر خواهد شد) مورد اشاره قرار دادند.

لیا، ۲۷ ساله و مدرس زبان از مشهد: «عکس‌ها و پست‌هایم را دوست دارم، خیلی برابم مهم است که فراموش نشوند، البته در مورد اشیاء و لباس‌هایی که برای پدرم هستند و بهشان ارث رسیده بود هم این‌طور هستم، خودم آنها را نگه می‌دارم.»

شرح سرگذشت، نمایش ارتباط با متوفی: درحالی که در انگیزه اول، فرد سوگوار می‌کوشد ارتباط شخصی‌اش را در فضای فیس‌بوک با فرد متوفی حفظ کند و استمرار بخشد، در اینجا درصد است تا ارتباطش را به دیگران نشان دهد نه غمش را؛ بلکه نوع نسبت و چگونگی ارتباطی که پیش از این فقدان داشتند و حالا نیز به آن ادامه می‌دهند. شرکت‌کنندگان نه‌تنها در بیانگری‌های خود در فضای فیس‌بوک که در طول مصاحبه نیز با استفاده از بیان سرگذشت خود پیش و پس از این سوگ که مصداق بارز تجلی یادآوری خودزندگی‌نامه‌ای^۱ یا سرگذشتی است می‌خواهند جایگاه خاص فرد متوفی در زندگی خود را به شبکه روابطشان نمایش دهند. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، یکی از کارکردهای مهم حافظه خود زندگی‌نامه‌ای که «شیوه‌ای است که ما به دیگران و خودمان، داستان زندگی‌مان را می‌گوییم» (Misztal, 2003: 10) ساخت و حفظ هویت شخصی و درک فرد از خویش است:

صهبا، ۴۰ ساله، مترجم از ساری «من باید حرفم را بزَنم، می‌خواهم پدرم را توصیف کنم و بگویم این پدر من بوده نه پدر خواهرم و ممکن است که خواهرم پدرم را در عکس‌های جور دیگری ببیند. باید به‌نوعی به دیگران بگویم که این پدر من است و ما با هم این رابطه داشتیم.» همین‌طور ارس، ۳۴ ساله، آهنگساز و نوازنده موسیقی زیرزمینی از تهران می‌گوید «کسانی که من را می‌شناسند باید بدانند که چنین آدمی در چنین برهه‌ای به من راهنمایی کرد و خیلی از داشته‌های کنونی من از آموخته‌هایی است که علی به من یاد داد. پس باید این را آن‌هم در صفحه طرفدارانم می‌نوشتم.»

درواقع ابزار خود و ارتباط با فرد درگذشته که یکی از منابع هویت‌سازی شخص سوگوار به حساب می‌آمده که اکنون با غیبت فیزیکی همیشگی او رشته ارتباط گسسته شده است به مدد شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک به‌عنوان یک فناوری خاطره بستر نمایش این استمرار نمادین را فراهم ساخته است.

کردهای خاطرات ارتباطی

کردهای نمایشی^۲: نخستین و پرتکرارترین نمودی که در رفتار مجازی آنها مشاهده می‌شود و از سوی خودشان نیز مورد اشاره قرار گرفت مدیریت حضور^۱ خود با هدف مدیریت تأثیر^۲ بیشتر

1. Autobiographical Memory

2. Performative Practices

است؛ به عبارت دیگر حضور دیگران تاندازه‌ای اهمیت دارد که کاربر سوگواری می‌کوشد رفتارش را که نمودی از یادآوری‌های فردی خود است به نحوی در جمع و میان دیگران مدیریت کند که هم تجربه سوگ و فقدان را با آنها در میان گذاشته باشد، هم از کارکرد شرح سرگذشت خود (اتفاقی که به‌طور مکرر در خلال مصاحبه‌ها نیز رخ داد) برای تخلیه هیجانی و نشان دادن رابطه پیشین با فرد متوفی و استمرار آن در زمان حال بهره برده باشد و نیز با یادآوری نکردن تعمدی در جهت رعایت حال و علاقه مخاطبانش حرکت کرده باشد:

سیمین ۴۳ ساله و کارمند از تهران: «در انتخاب عکس‌هایی که از حسین می‌گذارم وضوح تصویرش برایم مهم است، هر عکسی را آدم نمی‌تواند بگذارد، همین‌طور نمی‌خواهم عکس‌های خیلی شخصی بگذارم، بلکه بیشتر عکس‌هایی را انتخاب می‌کنم که در جاهای عمومی گرفته شده باشد، در خیابان یا در طبیعت و سفر نه در خانه» و بنابراین «ثبت قصدمند» نیز از جمله کردارهایی است که شرکت‌کنندگان در ابراز یادآوری‌ها در راستای مدیریت حضور خود و تأثیری که بر مخاطبان می‌گذارند و به تبع، بازخوردی که دریافت خواهند کرد، انجام می‌دهند:

لیا، ۲۷ ساله و مدرس زبان از مشهد: «معمولاً تمام عکس‌هایی که گرفته می‌شود یا مطالب به این نیت تولید می‌شوند که به اشتراک گذاشته شوند، بنابراین بعد از مدتی شروع کردم به پست گذاشتن.»

امکان «تغییر دسترسی» شبکه اجتماعی به پست‌ها نیز شیوه اجراشدن و در معرض دید قرار گرفتن خاطرات را تعیین می‌کند و تغییر می‌دهد. شرکت‌کنندگان با مدیریت دیده شدن یا نشدن یک پست برای مخاطب یا مخاطبان خاص می‌توانند قابلیت به یادماندن و بعدها بازیابی آن توسط دیگران را تغییر دهند. در این کردار هم گذشت زمان و نیز تمایل به دیده شدن یا نشدن مؤثر است، درحالی‌که هر دو آنها با توجه به بافت و ساختار شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌عنوان یک عرصه خاطره عمل می‌کنند:

شهرزاد، ۳۱ ساله، مدرس گرافیک و طراح جواهر از تهران «آن شعری را که برای مادربزرگم نوشته بودم به حالت only me درآورده‌ام. احساس کردن شاید لازم نباشد همه غم و غصه‌های

۱. این مفهوم در دنیای بازاریابی با پیشوند آنلاین (Online Presence Management) و در حوزه حکومت‌داری، مدیریت خطر و توافق (GRC) با پیشوند وب (Web Presence Management) استفاده می‌شود؛ اما در اینجا در معنای جامعه‌شناختی مدیریت حضور در برابر دیگران برای اثرگذاری بیشتر بر مخاطب مورد استفاده است.

2. Impression Management

آدم را هم بدانند، آن موقع حسی داشتم که نوشتم ولی حالا می‌بینم که لازم نیست کسی بداند، یک حس لحظه‌ای بوده و گذاشتمش، شاید حالا دیگر بهتر باشد، کسی نبیند.»

اجرای هویت^۱: یکی از کارکردهای یادآوری جمعی نقش آن در (بر) ساختن هویت تک‌تک افراد و در نهایت کل گروه است. در میان شرکت‌کنندگان این پژوهش همگی با وارد کردن خاطرات و تجربه فقدان خود در جمعی کردن تجربه سوگ خود مشترک بودند. عکس‌ها خود از کارکرد اجتماعی بسیار بالایی برخوردارند که آنها را به رسانه‌ای قدرتمند برای شریک کردن دیگران در تجربه‌های زندگی تبدیل می‌کند. برخی شرکت‌کنندگان دست به خلاقیت‌هایی زده‌اند که تهیه آلبوم، تشکیل گروه یادمان یا ساختن صفحه فیس‌بوک شخصی برای فرد متوفی نمونه‌هایی از این نوع کاربری‌ها است که به نوعی در تعریف و نمایش هویت مطلوب نقش دارد. برای نمونه:

نگار، ۳۲ ساله و مالک گالری خصوصی در تهران بعد از درگذشت برادرش اسم خود را در صفحه فیس‌بوک به **علی‌نگار** تغییر داد می‌گوید: «اولین کاری که کردم این بود که اسمم را عوض کنم. از همان اول یعنی وقتی که مریض شد عکس کاور صفحه‌ام را تصویری از خودم و او گذاشتم و دیگر هم بر نداشتم. دوست ندارم فکر کنه که با مُد و عوض شدن سبک زندگی من عکس اون ممکنه تکان بخورد. برای همین دلم نمی‌خواهد عکس کاور را بردارم یا عوض کنم.»

شهرزاد، ۳۱ ساله، مدرس گرافیک و طراح جواهر از تهران «من یک آلبوم برای ایشون [مادر بزرگ مرحوم] در صفحه خودم درست کردم و یک پروفایل برای خودشان به صورت مجزا. در واقع خودم ادمین صفحه مادر بزرگ هستم، در این صفحه اطلاعات خاصی نیست جز اینکه نوشته‌ام از دواج کرده‌ام، متولد چه سالی است، کجا به دنیا آمده است و کجا زندگی می‌کرده است. تنها کاری که می‌کنم این است که هر وقت وارد فیس‌بوک می‌شوم می‌روم و از صفحه خودشان عکس‌ها و پست‌های جدید خودم را لایک می‌کنم ... اگر به بخش «درباره» صفحه من بروید می‌بینید که مادر بزرگم را جز اعضای خانواده‌ام آورده‌ام، یه گزینه هم دارد که می‌توانی تنظیم کنی که اولین بار چه کسی را فیس‌بوک دیده‌ای^۲ هم دارد که من او را مادر بزرگم تعریف کرده‌ام و برایش عکسی گذاشته‌ام.»

1. Identity Performance

۲. نام این قابلیت first met است. لازم به ذکر است که در سال ۲۰۱۸ پلتفرم فیس‌بوک، برنامه دیگری با همین نام برای دوستیابی در این فضا معرفی کرد که با آنچه در این پژوهش و در زمان انجام مصاحبه با این کاربر استخراج شده است تفاوت دارد.

برخی از شرکت‌کنندگان که فرد در گذشته‌شان از حساب کاربری در فیس‌بوک برخوردار بود به پروفایل او که به نوعی عرصه تجلی و «نماینده هویت مجازی» او است دسترسی داشتند و این امر کردارهای ویژه‌ای را برمی‌انگیزد. در واقع، اهمیت استفاده از سایت‌های شبکه اجتماعی که اینترنت را به زندگی روزمره ما وارد می‌کند به دلیل تلاقی هویت آنلاین و آفلاین است که در صورت هم‌پوشانی این هویت‌ها چگونگی بیان‌های آنلاین ما را از هویت کسی که در دنیای آفلاین مرده است حایز اهمیت می‌کنند (Kalan, 2013: 62).

کردارهای بایگانی^۱: هراس از دست دادن و قطع ارتباط میان سوگوار و متوفی نمود خود را در میل به نگهداشت و حفظ تمام اشیا و ابژه‌هایی که یادآور آن فرد، آن ارتباط و گذشته نه‌چندان دور است به نمایش می‌گذارد. این کردار نه عمل جدید و خاص عصر دیجیتال که رفتاری دیرینه است؛ یعنی از زمانی که انسان امکان ضبط و گردآوری مستندات برای صیانت از گذشته را به دست آورد. اکنون، شبکه اجتماعی فیس‌بوک برای بسیاری از کاربران‌ش که سوگ را تجربه کرده‌اند به محیطی بدل می‌شود که هم پروفایل خودشان و هم پروفایل فرد در گذشته (در صورتی که داشته باشد) به قلمرویی برای حفظ و نگهداشت خاطره او بدل می‌شود.

لیا، ۲۷ ساله و مدرس زبان انگلیسی در مشهد «شاید آرشیوی که در کامپیوتر دارم در اثر یک اتفاق از بین برود اما اینترنت فضایی هست که می‌شود گفت همیشه هست. من الان دلم خوشم است که عکس‌هایم در اینستاگرام هست یا در فیس‌بوک ثبت شده و هر وقت بخوام می‌تونم بروم سراغش. چند روز یکبار می‌روم عکس‌های گذشته را نگاه می‌کنم. مثل آلبوم است.»

در واقع «مرور فیس‌بوک» که یکی از کدهای پرتکرار در میان کردارهای بایگانی بود؛ نه تنها در مورد صفحه فرد در گذشته بلکه در مورد کاربرانی که صفحه خودشان پر بود از خاطرات و یادآوری‌های آن فرد اتفاق می‌افتد.

مهشید، ۲۸ ساله و حسابدار از تهران که برادر مرحومش را در فهرست دوستان فیس‌بوکش دارد و نمی‌خواهد هیچ‌وقت او را آنفرد کند می‌گوید «وقتی این اتفاق افتاد من رفتم و تمام فیس‌بوکش را خواندم. از روز اولی که این صفحه بود تا روز آخر... هنوزم که هنوزم زیر پست‌های میلاد کامنت می‌گذارم، مثل تلفن می‌ماند، من تلفن مادر بزرگم را هم که چهار پنج سال پیش

فوت کرده هنوز دارم، برادرم هم همینطور، از جمله فیوریت های من است، یعنی هر موقعی که میرم شماره بگیرم عکس داداشم رو می بینم.»

به عبارت دیگر فرد سوگوار با سرک کشیدن در صفحه خودش یا صفحه عزیز ازدست رفته به نوعی با محتواها، به ویژه عکس های منتشر شده در فضای فیس بوک خود مانند دارایی هایی برخورد می کند که دیجیتال هستند، در آرشیوی بایگانی شده اند و می توانند منبعی باشند برای حفظ و یادآوری خاطره که به رغم ملموس نبودنشان مادیت پیدا کرده اند.

کردارهای آیینی: این کردارها بیش از هر چیز با انگیزه حس مسئولیتی که فرد سوگوار در خود در برابر فرد متوفی دارد به نشانه احترام انجام می شود. رفتار آیینی یادآوری که با اجراگونگی به معنای نمایشی بودن (نظیر کردار نخست) همراه است مفهوم عادت را نیز به دنبال دارد؛ امری که از آن با عنوان «خاطره عادت^۲» یاد می شود (Connerton: 2009: 141). در این کردار، زمان به عنوان یکی از بازیگران اصلی پررنگ تر به چشم می خورد. چراکه باگذشت زمان یادآوری خاطرات فرد سوگوار دستخوش تغییرهایی می شود، گاه انگیزه یادآوری با مرور زمان دیگر مشابه اهدافی که در روزها یا هفته های اول پس از تجربه فقدان پی گرفته می شد نیست، گاه بار غم و سوگ در کردارها که می تواند به شکل پست هایی حاوی متون و عکس باشد تغییر می کند.

سیمین، ۴۳ ساله و کارمند از تهران: «شاید حالا دیگر برایم مهم نباشد که چقدر لایک می خورم، چون کامنت هایی که حالا هم برایم می گذارند دیگر عادی شده. بیشتر می خواهم حس خودم را به اشتراک بگذارم، منتقل کنم، مهم این هست که حس خودم را بیرون بدم.»

و میلاد، ۲۹ ساله و خبرنگار در تهران «این مثل یک قاعده است که آدم عکس می گذارد، خاطره می گذارد و بعد که آدمها از دست می روند دوست دارد برود و خاطراتش را زنده کند... نوعی مُد می شود، یعنی یک نفر که فوت می کند همه می نویسند، البته من سعی می کنم در این موج نباشم، موج جو زدگی.»

همچنین کنش آیینی دیگری که در میان شرکت کنندگان این پژوهش نیز مشاهده شد صحبت کردن با دیگران است. بیشتر شرکت کنندگان علاوه بر فضای فیزیکی در فضای مجازی فیس بوک نیز متون خود را در قالب خطاب قرار دادن فرد متوفی - اعم از آن هایی که از حساب کاربری فیس بوک برخوردار بودند و چه آنها که نبودند - پست کرده اند؛ زیرا «یکی از شیوه های

1. Ritualized Practice

2. Habit Memory

کنار آمدن با فقدان یک عزیز برقراری دیالوگی مستمر با اوست که به پایداری واقعیت آن رابطه کمک می‌کند (Degroot, 2009: 71). برای نمونه،

نغمه، ۲۹ ساله و پژوهشگر از کرج: «تمام پست های من، بالای ۹۰ درصد، خطاب به خودش بود، یعنی بعضی وقت‌ها شکایت بود که چرا نیستی، نیاز دارم بهت یا بعضی اوقات نشان دادن اینکه جایش خالی است، بیشتر گله می‌کردم از او یا می‌گفتم نیستی و سخت است برای من. محتویات بیشتر متن‌ها در مورد نبودنش بود که سخت هست، یا جای خالی است و مامان داره اذیت میشه.»

تحلیل هم - رویدادی^۱ کدها نیز نشان می‌دهد که تلاش برای حفظ ابژه‌های خاطره، چه واقعی باشد مانند قاب عکس و وسایل فرد متوفی و چه مجازی باشد نظیر عکس، متن، صدا یا فیلمی که از او، در مورد او یا به همراه او وجود دارد به شرکت‌کنندگان در تهیه و نگهداری از آرشیوهای مرتبط با فرد درگذشته کمک کرده است که می‌توانستند مانند قبرستان، اما این بار از نوع مجازی به زیارتشان بروند و نگران فراموش کردن یا از خاطر رفتن خاطرات او از حافظه خود یا دیگران نباشند. علاوه بر این داشتن ارتباط و مجاورت به‌ویژه نزدیک با فرد متوفی پیش از مرگ در برانگیخته شدن حس احترام و مسئولیت نسبت به اهمیت جاودانگی او حتی در فضای دوم یا به‌وسیله و با وساطت فضایی مانند فیس‌بوک تأثیرگذار است.

همچنین ساختار شبکه‌ای یک عرصه خاطرات مانند فیس‌بوک که برخورداری از مخاطب گسترده را به کاربرانش هدیه می‌دهد می‌تواند عرصه‌ای برای دیده شدن اندوه فرد سوگوار که به‌ویژه در روزهای آغازین شروع تجربه فقدان، بیش از هر زمان به حضور دیگران برای ابراز همدردی نیاز دارد، عمل کند. فرد سوگوار حتی ممکن است با تنها یک کلیک دسترسی همگان را به خاطرات ثبت‌شده‌اش امکان‌پذیر کند و چه‌بسا این کار، تعداد لایک‌ها را هم افزایش دهد که خود کارکرد ابراز همدردی دارند. خاطرات ارتباطی که از خاصیت روزمره بودن برخوردار هستند؛ باینکه در هر دو فضا وجود دارند اما یک فضای رسانه‌ای و با دامنه و دسترسی برد بالا مانند فیس‌بوک که از قیود ارتباطات چهره به چهره رها هستند دفترچه یادداشت روزانه‌ای به دست سوگواران می‌دهد تا نداشتن گوش شنوا در دنیای واقعی را در فضای دوم جبران کنند، خود و ارتباطشان با فرد درگذشته را در لابه‌لای حضور مجازی‌شان بازتاب دهند و در معرض دید دیگران قرار دهند. هرچند تجربه برخی شرکت‌کنندگان نشان داده است که گذر زمان و فاصله

گرفتن از رویداد مرگ، مخاطبان و شبکه روابط فرد سوگوار را نسبت به مواجهه مستمر و یادآوری مداوم این اتفاق ناخشنود می‌کند و چه بسا خودسانسوری کاربر از فضای فیزیکی به فضای مجازی نیز امتداد می‌یابد.

از سوی دیگر هنگامی که کاربران سوگوار به حساب کاربری فرد متوفی دسترسی دارند فرصت این را می‌یابند که محتوایی را انتشار دهند که با عاملیت خودشان انتخاب شده است؛ که هویت مجازی فرد در گذشته را به شیوه موردنظر خود اجرا کنند یا با ابزارهایی مانند برچسب زدن^۱ او در پست‌هایشان، مشابه همان متون را در صفحه فرد متوفی به نمایش بگذارند تا هم استمرار حضور و جاودانگی او را ثابت کند و هم به نوعی به روزرسانی و فعال ماندن صفحه او باشد. در حقیقت، با این کار نه تنها حضور مجازی خود را مدیریت می‌کند بلکه در همان حال می‌تواند بر حضور پس از مرگ فرد متوفی نیز اثرگذار باشد، علاوه بر اینکه پروفایل او را به یک ابژه خاطره تبدیل می‌کند.

جدول ۱. سطوح و مضامین تحلیلی در سوگواری مجازی

بازیگران اصلی				سطح اول
بافت شبکه اجتماعی	قلمرو خاطرات	زمان خاطرات	فرد متوفی	
شبکه روابط اجتماعی				
انگیزه‌ها و دلایل				سطح دوم
معطوف به دیگران	مشترک		معطوف به فرد متوفی	
دیده شدن، نمایش اندوه و انتظار همدردی	ترس از فراموشی		حفظ و استمرار ارتباط با فرد متوفی	
گستره عمل در دوفضای فیزیکی و مجازی	شرح سرگذشت، نمایش ارتباط با متوفی		حسن احترام و مسئولیت	
کردارهای خاطرات ارتباطی				سطح سوم
آیینی	بایگانی	اجرای هویت	نمایشی	

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به‌عنوان اولین نمونه تحقیق انجام‌شده در حوزه کردارهای اجتماعی خاطره در سوگواری مجازی ایرانیان دریافت که برای مطالعه تجربه کاربران سوگواری در استفاده از فیس‌بوک برای یادآوری خاطرات فرد متوفی یا به اشتراک‌گذاری تجربه سوگ، علاوه بر خودشان لازم است به عاملان دیگری نیز توجه کرد. درحالی‌که کاربر سوگواری خود را در مرکز میدان این رویداد می‌بیند از یک سو با یک دیگری خاص یعنی شخص درگذشته که بهانه اصلی تجربه حس فقدان را فراهم کرده است در حال تعامل از نوع فراجسمانی است و از سوی دیگر با دیگرانی ارتباط دارد که یا شبکه دوستان^۱ و دنبال‌کنندگان^۲ او را در فضای مجازی تشکیل می‌دهند یا در جهان فیزیکی با آنها در تعامل است یا شبکه مشترکی از این روابط، طرف ارتباط او هستند. این دیگران یا جمع که در شکل‌گیری چارچوب‌های اجتماعی خاطره و یادآوری ما نقش کلیدی دارند، خود در یک بافت و زمینه‌ای قرار گرفته‌اند که بر گذران سوگ نزد فرد سوگواری اثرگذار است. ارتباط کاربران سوگواری با دیگران هم در فضای فیزیکی و هم در فضای مجازی در جریان بوده است و این موضوع در مورد فرد متوفی نیز صادق است یعنی کاربران سوگواری در شرح سرگذشت خود هم به ارتباط خود با فرد درگذشته پیش از مرگ و در فضای فیزیکی و پس از آن در فضای مجازی اشاره کرده‌اند. بنابراین هر دو فضای فیزیکی و مجازی که به مثابه «عرصه‌های خاطرات» عمل می‌کنند بر فرایند سوگواری و چگونگی یادآوری خاطرات این تجربه و نیز شخص درگذشته اثرگذار هستند.

علاوه بر ویژگی‌های فضای، گذشت حداکثر یک دهه از آغاز فقدان عزیزان نشان‌دهنده اهمیت زمان در این تجربه است و آنچه در قالب خاطرات غیررسمی و خودزندگی‌نامه‌ای در شبکه اجتماعی فیس‌بوک به اشتراک می‌گذارند همان خاطرات ارتباطی موردنظر آسمن (۱۹۹۵) است که به گذشته‌های اخیر مرتبط است. فیس‌بوک مانند دیگر اپلیکیشن‌های سیار و تعاملی در تغییر مفاهیم زمان، مکان، حافظه و شناخت جمعی نقش دارد و «فعالیت‌های ما را در تایم‌لاین^۳ ذخیره و سازمان‌دهی می‌کند و این تاریخ‌های دیجیتال مربوط به زندگی ما را در شبکه‌های اجتماعی آنلاین میان دیگران به گردش درمی‌آورد (Elwood and Mitchell, 2015: 147)».

1. Friends

2. Follower

۳. Timeline: فضایی که از سال ۲۰۱۱ به فیس‌بوک اضافه شد و در آن تمامی محتوای متعلق به کاربران این شبکه اجتماعی سازمان‌دهی و نشان داده می‌شود.

شاید نتوان گفت ثبت دیجیتال خاطرات، خاصیت ذاتی گذرا بودن زمان حال را زیر سؤال می‌برد اما دست کم این کردارهای دیجیتال مرز روشنی میان گذشته، حال و آینده باقی نگذاشته‌اند و پشتوانه‌ای هستند برای بادوام^۱ و ماندگار کردن تجربه‌های زمانمند که زوال قریب‌الوقوعشان را پیش‌بینی می‌کنیم. چنین قابلیت‌به‌ویژه در مورد تجربه‌هایی که با اهمیت عاطفی همراه هستند، مانند سوگ، که تمایل به یادآوری و نگه‌داشتن خاطرات تکرار نشدنی گذشته بسیار بیشتر است، از اهمیت بالایی برخوردار است.

در پاسخ به این سؤال که دلیل امتداد تجربه سوگ کاربران به فضای مجازی چیست باید گفت که آنها به دنبال تثبیت جایگاه خود در فرایند ارتباط با خود، فرد متوفی و دیگران هستند هم از تفاوت و دسترس‌پذیری این فضای متفاوت در کنار فضای فیزیکی و متداول برای این کار بهره می‌برند. درواقع، حس‌هایی مانند ترس از فراموشی و مسئولیت و احترام در سایه تلاش برای (باز) تعریف موقعیت فرد سوگوار پس از یک رویداد بحرانی مانند مرگ برانگیخته می‌شود. به این ترتیب، شبکه گسترده روابط اجتماعی در فیس‌بوک و امکاناتی که برای ثبت، ذخیره‌سازی و سازمان‌دهی و نمایش خاطرات فراهم می‌کند هر کاربر فعالی را ترغیب می‌کند که از آن به‌عنوان واسطه‌ای برای رساندن پیام خود از جنس سوگواری و بازیافتن جایگاه متزلزلی که پس از این رویداد احساس می‌کند، استفاده کند. او حالا از این فرصت برخوردار است که در همان فضایی که به تبادل اطلاعات روزمره و معمولی گذشته می‌پرداخت در مورد تجربه سوگ خود نیز سکوت نکند و آن را با رساندن صدای خود به دوستان و اطرافیان و جمعی که ناظر بر فعالیت‌های او است نشان دهد و همان ساختار مشارکتی را که آسمن در توصیف خاطرات روزمره برمی‌شمارد، بسازد.

این وجه شناختی نمود خود را در تغییر کردارهای خاطره و رفتارهای همیشگی انسان در یادآوری و فراموشی رویدادها می‌نمایاند. اهمیت حضور دیگران و نقش اثرگذار جمع، چه در فضای فیزیکی و چه در فیس‌بوک به‌عنوان قلمرو مجازی خاطرات فرد سوگوار، جهت دهنده چگونگی ابراز و نمایش اندوه و در مقابل، برانگیزاننده انتظار متقابل میان طرفین ارتباط یعنی فرد سوگوار (خود) و شبکه اجتماعی او (دیگران) است. بنابراین وجود یک فضای دوم در کنار دنیای واقعی ابزار دیگری را در اختیار شخص سوگوار قرار می‌دهد که تجربه سوگ خود را به این محیط نیز انتقال دهد، در آن ادامه دهد و دیگران را در اجرای آن سهیم کند. او در چنین فضایی

1. Durable

و از طریق آن نه تنها جایگاه خود را تثبیت می‌کند بلکه می‌تواند برخلاف ماهیت ایستای فضای فیزیکی در نمایش و تعریف فرد متوفی و چگونگی ارتباط خودش با او پیش و پس از مرگ دخل و تصرف کند.

در فضای مجازی نه تنها امکان اجرای هویت مطلوب خود و دیگران بیشتر فراهم است بلکه بستر و وسایل ثبت و حک کردن این ابزارها نیز به گونه‌ای متفاوت با جهان فیزیکی در اختیار فرد سوگوار قرار دارد که او را از فراموش نکردن شخص در گذشته و فراموش نشدن او نزد دیگران مصون می‌دارد. فضای صفحه پروفایل خودش و شخص متوفی به خودی خود در کنار محتوای سازمان‌دهی شده هرکدام از قبیل بخش عکس‌ها که شامل آلبوم‌ها هستند، بخش یادداشت‌ها، قسمت بیوگرافی و نظایر این‌ها به‌عنوان ابژه‌های مجازی عمل می‌کنند. این آرشیوها با سرعت و سهولت بیشتری در مقایسه با بایگانی‌هایی که از یک عزیز از دست‌رفته در فضای واقعی تهیه می‌شود قابل دسترسی هستند. علاوه بر این، اختیار مدیریت این بایگانی در شبکه اجتماعی مانند فیس‌بوک نه تنها در مورد خود شخص سوگوار بلکه در مورد افراد در گذشته‌ای که حساب کاربری فیس‌بوک دارند امکان‌پذیر است و با فرمان‌های ساده‌ای مانند برچسب زدن می‌توان به حضور مجازی کسی که دیگر حضور فیزیکی را تجربه نمی‌کند امتداد بخشید و بر آیتم‌های آرشیو شخصی او بدون آگاهی و حتی تمایلش افزود. همچنین با تنها چند کلیک می‌توان یک آیتم را که مصداق یادآوری و ثبت آن خاطره در تاریخ - که گاه با ذکر مکان مشخص - همراه بوده است از معرض دید خود یا دیگران (که امکان سفارشی کردن را به‌منظور دیده شدن یا نشدن هر پست برای دوستان شبکه اجتماعی فیس‌بوک وجود دارد) پنهان کرد؛ دور از انتظار نیست که هر چیز هنگامی که بیشتر دیده شود بهتر و با جزئیات بیشتر به حافظه سپرده می‌شود، به‌ویژه هنگامی که اهمیت و بار عاطفی آن ابژه برای بیننده نیز قابل توجه باشد.

شبکه اجتماعی فیس‌بوک به‌مثابه قلمرویی برای خاطرات، به‌عنوان عرصه‌ای برای رفتارهای آیینی یادآوری گذشته نیز عمل می‌کند. زمان به این دلیل در چنین کردارهایی اهمیت دارد که کاربران می‌توانند در فضای مجازی نیز مانند فضای واقعی به برگزاری مراسم متداول و مرسوم سوگواری در قالب تعریف رویداد، دعوت مجازی از دوستان و رصد تعداد شرکت‌کنندگان احتمالی ادامه دهند. این کردارها در اغلب موارد با صحبت کردن با فرد در گذشته در قالب متن همراه است که تلاشی است برای برقراری ارتباط و شکل‌گیری گفت‌وگویی نمادین و بدون

باز خورد با موجودیتی که چنین رفتارهایی به جاودانگی او نزد فرد سوگوار استمرار و نزد دیگران اعتبار می‌بخشد.

این مطالعه تنها نقطه شروعی در مطالعات خاطره از منظر ارتباطات و مطالعات رسانه است و انجام پژوهش‌های بیشتر و گسترده‌تر در این حیطه ضروری است. به منظور انجام پژوهش‌های دیگر نه تنها با افراد بیشتری که تجربه سوگواری مجازی داشته‌اند مصاحبه انجام شود بلکه مطالعه به سطح گروه‌ها و جماعت‌های مجازی گسترش و ترقی پیدا کند. با این کار مطالعه هویت گروهی در عمل سوگواری که از موضوعات کلیدی در سه حوزه جامعه‌شناسی خاطرات، شناخت اجتماعی بازسازی گذشته و نیز خاطرات رسانه‌ای است جهت پژوهش را به سمت نگرش کلان‌تر به آنچه به یاد می‌آوریم و آنچه از یاد می‌بریم و متغیرهای فراگیرتری که می‌توانند یادآوری به معنای واقعی جمعی را تحت تأثیر قرار دهند، سوق می‌دهد. همچنین می‌تواند پیشنهادهایی برای همکاری با بنیاد نیکوکاری شروین روبن‌زاده^۱ به عنوان تنها مرکز تخصصی پیشگام درمان سوگ در ایران ارائه کرد

زندگی در یک جریان دوفضایی یعنی زندگی در ترکیبی متشکل از هر دو فضا که ویژگی‌های خود را حفظ می‌کنند و متغیرهای خود را به عرصه‌ها و ابعاد زندگی می‌افزایند. بنابراین در عرصه خاطره نیز ما در عرصه‌های خاطرات زندگی می‌کنیم که به لطف رسانه‌های جدید عرصه‌های جدیدی نیز برای خاطرات تعریف و فراهم شده است و در آن اتاقک‌های متعددی برای ورود خاطرات به ساحت تعامل‌های روزمره و ثبت و تعبیر محتواهایی که حاکی از یادآوری گذشته‌های نه‌چندان دور و کلان بلکه تاریخ اخیر و در سطح خرد هستند وجود دارد. سوگواری مجازی یکی از آن پدیده‌های نسبتاً جدید در کردارهای اجتماعی و فرهنگی انسان است که ورای مرزهای جغرافیایی قابل ملاحظه و تحلیل است. امری بدیهی انگاشته شده که این مطالعه در راستای پرابلمتیک کردن آن دریافت شبکه روابط مجازی محرک مهم و اصلی برای شریک کردن دیگران در خلوت سوگوارانه کاربر است. اما این امر نه تنها نقطه پایان که آغاز شکل گرفتن خاطرات جدید و دیجیتالی شده، طراحی آنها معطوف به دیگران و مصرف دوباره و چندباره آنها است. بایگانی‌های عصر دیجیتال حالا تبدیل به گنجینه‌هایی تمام‌نشده و بی‌نیاز از ظرفیت معین برای ثبت و ضبط خاطرات هستند و تجربه هولناک سوگ با ترس مضاعفی از فقدان و در تزلزل هویت، حتی به مدت کوتاه، همراه است حالا می‌تواند فضایی امن برای نگهداری و در

1. <http://www.bonyadeshervin.com/>

بیشتر اوقات نمایش سرگذشت و تجربیات به دیگران باشد. رابطه رفت و برگشتی خاطره‌گویی از سوگ از فضای فیزیکی به فضای مجازی نه صرفاً با امتداد بلکه با بسط و تکامل و تغییر کردارهای متداول خاطره بازی همراه است. کردارهایی که در کنار سایر رفتارهای بالقوه آنلاین در حال تبدیل شدن به امری بدیهی و مسلم در کردارهای فرهنگی و اجتماعی مردم ایران و جهان هستند.

منابع و مأخذ

- ترلو، کریسپین؛ تومیک، آلیس؛ لنگل، لورد (۱۳۸۹). ارتباطات کامپیوتر - واسط (CMC) تعاملات اجتماعی و اینترنت، ترجمه سروناز تربتی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۲). «دوچهانی شدن‌ها و آینده جهان». کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶۹ و ۷۰: ۲۸-۱۵.
- فلیک، اوه (۱۳۸۸). درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- کاندوا، زیوا (۱۳۸۴). شناخت اجتماعی: چگونه خود، دیگران و جهان را درک کنیم؟، ترجمه حسین کاویانی، تهران: انتشارات مهر کاویان.
- Assmann, J., & Czaplicka, J. (1995). **Collective memory and cultural identity**. New German Critique, 65(Spring-Summer), 125-133.
- Assmann, J. (2011). **From mooses the Egyptian: The memory of Egypt in western monotheism**. In J. Olick, V. Vinitzky-Seroussi, & D. Levy (Eds.), **The collective memory reader**. Oxford University Press.
- Connerton, P. (2009). **How modernity forget**. Cambridge University Press.
- Derrida, J. (1995). "Archive fever: A freudian impression". **Diacritics**, 25(2), 9-63.
- Elwood, S., & Mitchell, K. (2015). "Technology, memory, and collective knowing". **Cultural geographies**, 22(1), 147-154.
- Erll, A., & Nunning, A. (Eds.). (2008). **Cultural memory studies : an international and interdisciplinary handbook**. Walter de Gruyter.
- Hallam, E., & Hockey, J. (2001). **Death, memory and material culture**. Berg.
- Kalan, M. (2013). "Expression of grief on Facebook: Navigating discomfort, persistent identity and public memorialization. Master of Arts in Media Studies". **Syracuse University**.
- Leydesdorff, S., Dawson, G., Burchardt, N., & Ashplant, T. (1999). **Introduction: Trauma and life stories**. In K. L. Rogers, S. Leydesdorff, & G. Dawson (Eds.), **Trauma and life stories: International perspectives**. Routledge.
- Misztal, B. A. (2003). **Theories of social remembering**. Open University Press.
- Nora, P. (1989). "Between memory and history: Les lieux de memoire". **Representations**, 26(Special Issue: Memory and Counter-Memory), 7-24.
- Smith, E. R., & Conrey, F. R. (2008). **The social context of cognition**. In P. Robbins, & M. Aydede, **Handbook of situated cognition**. Cambridge University press.
- Van Dijck, J. (2004). "Mediated memories: Personal cultural memory as object of cultural analysis". **Continuum**, 18(2), 261-277.
- Van Dijck, J. (2007). **Mediated memories in the digital age**. (M. Bal, & H. d. Vries, Eds.) Stanford, California: Stanford University Press.